

فهرست مطالب

پیش‌گفتار ناشر	۱۳
سخن مؤلف	۱۵
مقدمه	۱۷
الگوهای الهی انسان در قرآن	۱۷
الف) نیکان (محسنین)	۱۸
۱- حُسن به معنای زیبایی	۱۹
۲- حُسن به معنای نیکویی	۱۹
ب) مؤمنین	۲۱
ج) متقین	۲۲
د) صالحین	۲۳
جایگاه ایمان در زندگی نیکان (محسنین)	۲۴
نیکان و محسنین از منظر قرآن	۲۷
اوصاف و ویژگی‌های نیکان و محسنین	۳۳
مصادیق محسنین در قرآن کریم	۴۲





- ۴۲ حضرت نوح علیه السلام در مقام محسنین
- ۴۲ حضرت ابراهیم علیه السلام در مقام محسنین
- ۴۳ حضرت موسی و هارون علیهم السلام در مقام محسنین
- ۴۳ حضرت الیاس علیه السلام در مقام محسنین
- ۴۴ حضرت یوسف علیه السلام در مقام محسنین
- ۱. مقام نیکان** ۴۷
- ۴۷ عمل نیک، هدف آفرینش
- ۵۰ راه‌های ورود به حلقه نیکان
- ۵۰ ۱- توبه و ایجاد تحوّل
- ۵۱ ۲- زدودن تکبّر
- ۵۳ مراتب و منازل مقام نیکان
- ۵۳ ۱- خواستن
- ۵۵ ۲- دانش و آگاهی
- ۵۸ ۳- حرّیت
- ۵۹ مراتب کمال حرّیت
- ۵۹ ۱: آزادی از شهوت
- ۶۰ ۲: آزادی از غضب
- ۶۰ ۳: آزادی از هوای نفس
- ۶۱ تجلّی نیکان در عبادت و خدمت به خلق
- ۶۲ آثار عبادت و خدمت
- ۶۲ ۱- امنیت آخرت و حفظ از هلاک
- ۶۶ امام حسین علیه السلام، عبادت و خدمت به خلق
- ۶۶ ۲- سوزاندن ردائیل
- ۶۷ ارزش خدمت به خلق و پاداش آن





نمونه‌هایی از نیکان خدمت‌گزار ۶۹

نمونه اول: عبدالله بن ابی‌یعفور ۶۹

نمونه دوم: محمد بن بهاء‌الدین حافظ شیرازی ۷۲

اثر هم‌نشینی با نیکان ۷۴

نیکان و عمل به پیمان ۷۶

الگو برداری از زندگی نیکان ۷۹

۲. توحید در زندگی نیکان ۸۱

کیفیت ارتباط خداوند و نیکان ۸۳

بشارت خداوند به نیکان ۸۳

نیکان حیران خدا ۸۵

سلام خداوند به نیکان ۸۶

عنایت خاص خداوند به نیکان ۸۸

نیکان و ذکر دائمی خداوند ۸۹

نیکان و عشق به خداوند ۹۱

نیکان و معرفت قلبی ۹۴

نیکان و رهایی از غیر خدا ۹۶

طهارت و تقوا شرط رهایی ۱۰۰

نیکان و زهد ۱۰۴

اقتسابی بودن نیکی ۱۰۶

نیکان و هم‌رنگی با خداوند ۱۰۹

امنیّت نیکان ۱۱۶





۳. نورانیت نیکان ۱۲۱

- ۱۲۱ نور و ظلمت در قرآن
- ۱۲۴ تبیین خسران واقعی
- ۱۲۷ عبادت عاشقانه تجلی گاه نیکان
- ۱۳۳ هدایت نیکان با نور
- ۱۳۹ بیان قرآن از کافران ظلمانی و نیکان نورانی
- ۱۴۷ پیوستن به نیکان
- ۱۴۷ ۱- روزه
- ۱۴۸ ۲- توبه
- ۱۴۹ ۳- عدم دل بستگی به دنیا
- ۱۵۰ ۴- عشق به عالم آخرت
- ۱۵۰ ۵- آمادگی برای مرگ
- ۱۵۱ ۶- قلب تاریک و عذاب الهی؛ نورانی نگه داشتن قلب
- ۱۵۵ ۷- داشتن رأفت و رحمت

۴. نیکان و نجات از خطرات بزرگ ۱۵۹

- ۱۵۹ خطر اول: از دست دادن گوهر عمر
- ۱۶۴ خطر دوم: اسارت بعد از مرگ
- ۱۶۵ علل اسارت در آخرت
- ۱۶۷ خطر سوم: دنیا زدگی و دنیا خواهی
- ۱۷۰ خطر چهارم: فریب شیطان

۵. حریم الهی و قلب نیکان ۱۷۵

- ۱۷۵ حریم‌های الهی





۱۷۵	۱- کعبه
۱۷۷	۲- قلب نیکان
۱۷۷	حربیم‌های قلب نیکان
۱۷۷	۱- ایمان
۱۷۹	قدرت ایمان و تقوا در وجود نیکان
۱۸۲	ایمان عاشقانه
۱۸۵	قلب نیکان تجلی‌گاه نور الهی
۱۸۹	خلق عظیم محصول ایمان قلبی
۱۹۰	۲- تقوا
۱۹۱	۳- اخلاق
۱۹۲	۴- عمل صالح
۱۹۵	۶. اقسام عشق و عشق نیکان
۱۹۶	۱- علاقه شدید غیرمعقول
۲۰۰	۲- علاقه و محبت معقول
۲۰۰	۳- عشق حقیقی
۲۰۳	۷. اصول شخصیتی نیکان
۲۰۳	اصل اول: امید و عدم یأس
۲۰۷	اصل دوم: داشتن روحیه تسلیم و یقین
۲۱۲	اصل سوم: داشتن حبّ و بغض الهی
۲۱۷	اصل چهارم: عشق به شهادت
۲۱۹	اصل پنجم: نترسیدن از خطرات و مرگ
۲۲۳	اصل ششم: تقدیم آخرت بر دنیا
۲۲۵	اصل هفتم: توجه به معنویت در زندگی





۲۲۶	داستان جیب‌بُر
۲۲۸	اصل هشتم: تهجد و نماز شب
۲۳۰	اصل نهم: ورع و ترک گناه
۲۳۲	بیان گناهان کبیره
۲۳۲	۱- شرک به خدا
۲۳۳	۲- یأس از رحمت
۲۳۳	۳- اصرار بر صغیره
۲۳۳	۴- تضييع حق والدین
۲۳۴	۵- قتل
۲۳۴	۶- نسبت ناروا و قذف
۲۳۵	۷- خوردن مال یتیم
۲۳۹	اصل دهم: محاسبه دقیق اعمال
۲۴۰	مراقبت‌های خاص محسنین (نیکان)
۲۴۱	۱- توجه به پاک زیستن
۲۴۳	۲- قناعت
۲۴۸	۳- الگوبرداری از زندگی معصومین <small>علیهم‌السلام</small>
۲۵۲	۴- صبر
۲۵۷	۵- سودمندی برای دیگران
۲۶۰	۶- حفظ حرمت سالمندان
۲۶۱	۷- محبت و هم‌نشینی نیکان با یک‌دیگر
۲۶۴	۸- صاحب نفس حق بودن
۲۶۷	فهرست‌ها
۲۶۹	فهرست آیات
۲۸۱	فهرست روایات



فهرست مطالب



فهرست انبیا، معصومین و اشخاص ۲۸۵

فهرست اماکن ۲۹۱

فهرست ادیان، مذاهب، قبایل و فرق ۲۹۳

فهرست کتابها ۲۹۵

فهرست اشعار ۲۹۹

کتابنامه ۳۰۳





پیش‌گفتار ناشر

در جهان پرتلاطم امروز، آیات پرشور الهی و کلام روح‌بخش معصومین و زمزم لایزال معارف شیعه، مرهم جان‌های خسته و سیراب‌کننده تشنگان هدایت و رهایی‌بخش جویندگان از ظلمت‌های نفس است. عالمان دینی و عارفان حقیقی، غواصان این اقیانوس بیکران معرفت‌اند که گوهرهای ناب علوم قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام را به دست آورده و به مشتاقان حقیقت عرضه می‌نمایند.

در این میان، کرسی منبر و خطابه، رسانه دیرپا و سازنده‌ای است که از دیرباز زمینه ارتباط و انتقال معارف دینی و مکارم اخلاقی را در میان عالمان و متعلمان فراهم کرده است و عالمان آگاه و هادیان دلسوز، که عمر خویش را صرف تتبع و تحقیق در آثار علمی شیعه نموده‌اند، عبادالله را به مصداق کریمه ﴿ ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ ﴾، با کلام نغز و لطیف خود به راه سعادت دعوت کرده‌اند.

مجموعه حاضر، که با عنوان «سیری در معارف اسلامی» در مجلدات مختلف و موضوعات متنوع در اختیار خوانندگان محترم قرار می‌گیرد، مجموعه مباحث عالمانه و ارزشمند حضرت آیه‌الله حاج شیخ حسین انصاریان (دام‌ظله) است که یکی از عالمان برجسته و میراث‌داران گوهر سخن در زمان خویش می‌باشد و استواری کلام و لطافت بیان نافذشان بر اهل نظر پوشیده نیست.

این گنجینه ارزشمند، حاصل نیم قرن مجاهدت‌های علمی و تبلیغی حضرت استاد جهت





نشر و ترویج فرهنگ غنی شیعه بر کرسی بحث و نظر می‌باشد که به منظور پربارتر ساختن محتوای تبلیغ دینی در جامعه و استفاده بیشتر طلاب محترم علوم دینی، به زیور طبع آراسته می‌شود.

در این مجموعه گرانقدر، تلاش شده است با تکیه بر ویرایشی روشمند و دقیق، ساختار هنرمندانه مباحث و سبک استاد در ارائه سخن از بین نرود، تا ضمن نشر فرهنگ انسان‌ساز آل‌الله علیهم‌السلام شیوه منحصر به فرد معظم‌له در تبیین معارف دینی نیز حفظ شده و به مشتاقان ارائه گردد.

مجلدی که اکنون تقدیم خوانندگان گرامی می‌شود سیزدهمین اثر از این مجموعه سترگ است و در بردارنده هفت گفتار در باب «سیمای نیکان» می‌باشد که در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۶۹ در حسینیه هدایت تهران ایراد شده است.

این مکتوب علاوه بر در برداشتن متن سخنرانی - که لاجرم سبک و سیاق متن را نیز گفتاری می‌سازد - از فواید زیر خالی نیست:

- عنوان‌بندی مناسب و تفکیک مطالب و موضوعات.
- استخراج مصادر آیات و روایات و ارائه مطالب متنوع دیگر در پی‌نوشت.
- ذکر نام مستقل برای هر بحث (در انتخاب نام هر مجلد و نیز هر گفتار، غلبه موضوع مدنظر بوده است، نه انطباق کامل موضوع و محتوا).
- مجموعه متنوع فهرست‌ها و ...

در پایان از همه کسانی که در این اثر زحمات فراوانی کشیده‌اند به‌ویژه مدیرعامل محترم دارالعرفان جناب حجة الاسلام والمسلمین محمدجواد صابریان و همچنین پژوهشگران محترم این آقایان حسن خیبری و سیدعلی بطحائی و بازخوانی نهایی حجت‌الاسلام یزدانی کمال تقدیر و تشکر را داریم و امیدواریم این اثر رضایت حضرت حق و دوستداران مکتب حقه اهل بیت علیهم‌السلام را داشته باشد و مقبول علاقه‌مندان معارف ثقلین قرارگیرد.



سخن مؤلف

«الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَى آلِهِ أَلِ اللَّهِ»

پایه‌گذار منبر و جلسات سخنرانی برای رشد و هدایت جامعه، وجود مبارک پیامبر اسلام ﷺ بود. ارزش تبلیغ دین از طریق منبر و جلسات تا جایی بود که رسول اکرم ﷺ تا روز پایان عمرشان با کمال اخلاص، به بیان معارف دین پرداختند و در این راه زحمات سنگینی را متحمل شدند. پس از پیامبر ﷺ وجود مقدس امیرمؤمنان ﷺ ادای این تکلیف الهی را به عهده گرفتند که بخشی از سخنرانی‌های آن حضرت در کتاب بی نظیر نهج البلاغه موجود است.

امامان معصومین علیهم السلام، به‌ویژه حضرت امام باقر علیهما السلام و حضرت امام صادق علیهما السلام نیز تا جایی که فرصت در اختیارشان قرار گرفت و مزاحمتی از جانب حکمرانان بنی‌امیه و بنی‌عبّاس برایشان پیش نیامد، این مهم را به‌صورت بیان معارف الهی و رشته‌های مختلف علوم به صورتی که حجت تا قیامت بر همگان تمام باشد را به عهده گرفتند و دیگران را - که مورد اعتمادشان در علم و عمل بودند - به این مسأله تشویق کردند.

عالمان مخلص و عامل شیعه برای حفظ دین خدا و تبلیغ معارف الهیه بر اساس قرآن و فرهنگ اهل‌بیت علیهم السلام، قرن به قرن تا به امروز که سال ۱۳۹۶ هجری شمسی است، این جایگاه عظیم را حفظ کردند؛ شخصیت‌هایی چون شیخ مفید، شیخ صدوق، شیخ طوسی،



عالمه محمدباقر مجلسی، شیخ جعفر شوشتری و در قرن معاصر بزرگانی چون آیه‌الله العظمی بروجردی، آیه‌الله سیدعلی نجف‌آبادی، آیه‌الله حاج میرزاعلی شیرازی، آیه‌الله حاج میرزاعلی هسته‌ای، آیه‌الله حاج میرزاعلی فلسفی تنکابنی و... با داشتن مقام مرجعیت و مقام علمی بسیار بالا، در ماه رمضان، محرم و صفر به منبر می‌رفتند و از این طریق، دین خود را به قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام ادا می‌کردند.

این جانب حسین انصاریان که سالیانی از عمرم را در شهر مقدس قم، این آشیانه اهل بیت علیهم‌السلام، نزد بزرگانی از مراجع و اساتید مشغول تحصیل بوده‌ام، بر اساس وظیفه‌ای که احساس می‌کردم رو به جانب تبلیغ و تألیف آوردم و در این راه، فقط توفیق حق رفیق راهم بود. در زمینه تبلیغ، بیش از دوازده هزار سخنرانی در نزدیک به هفتصد موضوع مختلف بر پایه قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام و تاریخ صحیح و نکاتی از حیات پاکان و اولیا الهی پرداخته‌ام و امیدوارم تا لحظات پایان عمر، هم چنان توفیق ادای این وظیفه را از جانب حق داشته باشم. مؤسسه فرهنگی دارالعرفان - در شهر قم به جهت نشر معارف قرآنی و فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام فعالیت‌های مهمی را در سطح جهانی انجام می‌دهد - بنا گذاشت متن این سخنرانی‌ها را به صورت مکتوب درآورد تا در اختیار طلاب و دانشجویان و مردم علاقه‌مند قرار گیرد و این مجموعه - که احتمالاً حدود دویست جلد خواهد شد - در آینده منبعی برای مبلغان شیعه باشد. من پس از سپاس از حضرت حق، لازم می‌دانم به خاطر تحقق این مهم از فرزندانم و نیز جناب حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدجواد صابریان و کلیه عزیزانی که در به ثمر رسیدن این اثر متحمل زحماتی شده‌اند، تشکر کنم و از خوانندگان، به خصوص مبلغان گرامی، درخواست دعا نمایم.

فقیر: حسین انصاریان



مقدمه

الگوهای الهی انسان در قرآن

خداوند متعال در قرآن کریم، الگوهایی را برای انسان‌ها معرفی و با عناوین متفاوتی مانند مؤمنین، متقین، صالحین، محسنین (نیکان)، صابرين، موقنین و... از آن‌ها یاد کرده‌است. همچنین خداوند متعال، قرآن را مایهٔ هدایت سه‌گروه یعنی محسنین (نیکان)، متقین و مؤمنین می‌داند و هدایت‌گری قرآن برای گروه‌های مذکور است:

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾؛ «در [وحی بودن و حَقانیت]

این کتاب [با عظمت] هیچ شکی نیست؛ سراسرش برای پرهیزکاران هدایت است»؛^(۱)

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْوِينُكُمْ مِّن رَّبِّكُمْ فَاسْتَمِعُوا لَهُمْ وَأَطِيعُوا أُولِي الْأَرْحَامِ لِلَّذِينَ فِيكُمْ مِنْكُمْ وَأَطِيعُوا لِلرَّحْمَةِ الْكَبِيرَةِ﴾؛ «ای مردم! یقیناً از سوی پروردگارتان برای شما

پند و موعظه‌ای آمده، و شفاست برای آنچه [از بیماری‌های اعتقادی و اخلاقی] در سینه‌هاست، و سراسر هدایت و رحمتی است برای مؤمنان»؛^(۲)



۱. بقره (۲): ۲.

۲. یونس (۱۰): ۵۷.



﴿ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ * هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ ﴾؛ «این آیات [با عظمت] کتاب استوار است، که سراسر هدایت و رحمت برای نیکوکاران است.»^(۱)

بنابراین هرکس بخواهد در مسیر هدایت الهی توسط قرآن قرارگیرد باید در زمره یکی از این گروه‌ها وارد شود و این مهم حاصل نمی‌شود مگر با شناخت عناوین و گروه‌های یادشده که در این مجال به تبیین معنا و مفهوم آنها می‌پردازیم:

الف) نیکان (محسنین)

واژه محسن از ریشه «حُسن» که به معنای نیکی و زیبایی است^(۲)، با مشتقات خود مانند: محسنین، محسنون و محسنات، ۳۹ بار در قرآن مجید به کار رفته‌است. لغت‌نویسان در معنای حُسن می‌نویسند:

«الْحُسْنُ ضِدُّ الْقُبْحِ^(۳)؛ حسن مخالف و ضد قبح است.»

یکی از روش‌های تبیین مفهوم واژه‌ها و لغات، استفاده از مفهوم ضدّ و مخالف آن است، لذا همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید، قبح و قبیح در دو مفهوم به کار گرفته می‌شود؛ یکی مفهوم زشتی ظاهری در مقابل زیبایی ظاهری و دیگری مفهوم زشتی و قبح رفتاری در مقابل زیبایی رفتاری.

بنابراین واژه حسن که ضد قبح است نیز دارای دو مفهوم است؛ یکی زیبایی ظاهری و دیگری زیبایی رفتاری، و به تعبیر کلی‌تر زیبایی و نیکویی.

کما اینکه کتاب قاموس قرآن می‌نویسد:

حُسن بر وزن قُفل، به معنای زیبایی و نیکویی است، و در آیات قرآن نیز واژه حُسن در هر



۱. لقمان (۳۱): ۲-۳.

۲. قاموس قرآن: ۲ / ۱۳۴.

۳. لسان العرب: ۱۳ / ۱۱۴؛ لسان اللسان: ۱ / ۲۵۸؛ التحقيق في كلمات القرآن الكريم: ۲ / ۲۵۹؛ معجم مقاییس اللغة: ۲ / ۵۷.

دو مفهوم به کار گرفته شده است:

۱- حُسن به معنای زیبایی

﴿وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بَيْنَ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ﴾^(۱)؛ «و نه تو را است که آن‌ها را به همسران دیگر عوض کنی گر چه زیبایی ایشان تو را به‌شگفت آورد.»

۲- حُسن به معنای نیکویی

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا﴾^(۲)؛ «انسان را نسبت به پدر و مادرش به نیکوی سفارش کرده‌ایم.»^(۳)

راغب اصفهانی نیز حسن را عبارت از هر چیز شادی بخش و بهجت آفرین که مورد آرزو و رغبت است، می‌داند؛^(۴) این تعریف نیز شامل نیکوی و زیبایی، هر دو می‌شود. با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان گفت این واژه با توجه به مفهوم دوم در قرآن کریم داری دو معنای خاص و عام است؛ نخست معنای خاص آن که تحقق مفهوم مذکور در ارتباط با دیگران امکان‌پذیر است و به شخص که به دیگران نیکوی می‌کند محسن و احسان‌کننده گفته می‌شود. مانند آیه شریفه:

﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾^(۵)؛ «آنان که در گشایش و تنگ‌دستی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از [خطاهای] مردم در می‌گذرند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد.»

۱. احزاب(۳۳): ۵۲.

۲. عنکبوت(۲۹): ۸.

۳. قاموس قرآن: ۲ / ۱۳۴.

۴. مفردات ألفاظ القرآن: ۱ / ۲۳۵.

۵. آل عمران(۳): ۱۳۴.



در این آیه انفاق، فروبردن خشم و گذشت از خطا، در ارتباط با غیر و دیگران تحقق می‌یابد؛ و نیز آیه شریفه:

﴿فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾^(۱)؛ «از آنان درگذر و [از

مجازاتشان] روی گردان؛ زیرا خدا نیکوکاران را دوست دارد.»

معنای دوم و مفهوم عام و مطلق محسن، در ارتباط فرد با خداوند متعال محقق می‌شود؛ طبق این معنا، حُسن مفهوم گسترده‌تری دارد و به کسی که به دیگران احسان کند و همچنین دارای اعمال نیک و زیبایی رفتاری باشد محسن گفته می‌شود و در آیات الهی به‌گونه‌ای ذکر شده است که بر مفهوم عام قابل تطبیق است. آیات ناظر به این معنا فراوان است که به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

﴿لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا

وَأَمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ

الْمُحْسِنِينَ﴾^(۲)؛ «بر کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام

داده‌اند، نسبت به آنچه [پیش از حکم تحریم، از مسکرات و منافع قمار و

سایر مُحَرَّمات] خورده‌اند گناهی نیست، در صورتی که بپرهیزند و ایمان

[واقعی] آورند و [خالصانه] کارهای شایسته انجام دهند؛ سپس پرهیزکاری

را تداوم بخشند و ایمان خود را ادامه دهند، و بر پرهیزکاری پافشاری ورزند

و کار نیک بجا آورند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد.»

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾^(۳)؛

«کسانی که برای [به دست آوردن] خشنودی [ما] [با جان و مال] کوشیدند،

بی‌تردید آنان را به راه‌های خود [راه رشد و سعادت و بهشت و مقام قرب]



۱. مائده (۵): ۱۳.

۲. مائده (۵): ۹۳.

۳. عنکبوت (۲۹): ۶۹.



راهنمایی می‌کنیم؛ یقیناً خدا با نیکوکاران است.»

﴿ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ * هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ * الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ * أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴾^(۱)؛ «این آیات [با عظمت] کتاب استوار است، که سراسر هدایت و رحمت برای نیکوکاران است. آنان که نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به آخرت یقین دارند. اینان از سوی پروردگارشان بر بلندای هدایت هستند و اینانند [بر موانع راه سعادت] که پیروزند.»
بنابراین دانستیم که واژه محسنین به معنای نیکان است و به شخص نیکوکار، محسن گفته می‌شود. حال این سؤال پیش می‌آید که آیا این واژگان به یک معنا هستند یا این که بین آن‌ها مراتبی وجود دارد؟

ب) مؤمنین

مؤمن از ریشه «أمن» به معنای آرامش خاطر و نفس و از بین رفتن بیم و هراس است^(۲) و هم‌چنین به کسی که تسلیم حق شود و قلب او در این تسلیم مطمئن و آرام باشد، مؤمن گفته می‌شود.^(۳) در قرآن گاهی مؤمن به همین معنا در مورد سایر ادیان و مذاهب نیز آمده است:

﴿ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَن آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
يَحْزَنُونَ ﴾^(۴)؛ «مسلمانان کسانی که [به ظاهر] ایمان آوردند، و یهودی‌ها و
نصرانی‌ها و صابئی‌ها هر کدامشان [از روی حقیقت] به خدا و روز قیامت
ایمان آورند و کار شایسته انجام دهند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی

۱. لقمان (۳۱): ۵-۲.

۲. کتاب العین: ۸ / ۳۸۸؛ مفردات ألفاظ القرآن: ۱ / ۲۰۵؛ قاموس قرآن: ۱ / ۱۲۳.

۳. قاموس قرآن: ۱ / ۱۲۶.

۴. بقره (۲): ۶۲؛ (در آیه ۱۷ سوره مبارکه حج نیز مؤمنین در برابر سایر ادیان آمده است).





شایسته است، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین شوند.»

همچنین در آیه ۱۷ سوره مبارکه حج، واژه مؤمنین به همین معنا در مورد پیروان ادیان دیگر آمده است.^(۱)

راغب اصفهانی معتقد است که آیه ۶۲ سوره بقره شامل امت پیامبر ﷺ و مسلمانان نیز می‌شود؛^(۲) اما در نگاه روایات و آموزه‌های روائی، مؤمن کسی است که زندگی، عقاید، اعمال و اخلاق او براساس قرآن و فرهنگ و دستورات و آموزه‌های معصومین و اهل بیت علیهم‌السلام باشد، بنابراین مؤمن بر شیعه واقعی اطلاق می‌شود.^(۳)

ج) متقین

تقوا نیز از «وقایه» به معنای نگهداری و حفظ در مقابل چیز مضر است.^(۴)

﴿ فَأَعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَفَنَا عَذَابَ النَّارِ ﴾^(۵)؛ «پس گناهانمان را ببامرز و ما را از عذاب آتش نگاه دار.»

﴿ فَمَنْ لَّهِ عَلَيْنَا وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ ﴾^(۶)؛ «ولی خدا بر ما منت نهاد و ما را از عذاب مرگ‌بار حفظ کرد.»

متقین در عرف به کسانی گفته می‌شود که نفس خود را از مخالفت اوامر و نواهی حق

۱. ﴿ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴾؛ حج (۲۲): ۱۷؛ «همانا مؤمنان و یهودیان و صابئی‌ها و نصاری و مجوسیان و مشرکان [که در مذاهب خود با یکدیگر اختلاف دارند، و هر گروهی خود را حق می‌دانند،] مسلماً روز قیامت خداوند بینشان داوری می‌کند [تا حق‌پیشگان به بهشت، و باطل‌گرایان به دوزخ درآیند،] بی‌تردید خداوند بر همه‌چیز گواه است.»

۲. مفردات ألفاظ القرآن: ۱ / ۹۱.

۳. تفسیر الامام العسکری علیه‌السلام: ۴۴۹، ح ۲۹۷؛ بحار الأنوار: ۸۹ / ۳۱؛ باب ۱، ح ۳۴.

۴. مفردات ألفاظ القرآن: ۱ / ۸۱۱؛ قاموس قرآن: ۷ / ۲۳۷.

۵. آل عمران (۳): ۱۶.

۶. طور (۵۲): ۲۷.





نگهداری کنند.^(۱) تقوا و ایمان هر دو دارای مراتبی است و خداوند بهترین زاد و توشه را تقوا معرفی کرده است و می‌فرماید:

﴿ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ ﴾^(۲)؛ «به نفع خود توشه بگیرید که بهترین توشه، پرهیزکاری است و ای صاحبان خرد! از من پروا کنید.»

د) صالحین

اکنون با توجه به توضیحات ارائه شده و تبیین مفاهیم واژه‌های ذکر شده، این سؤال اساسی پیش می‌آید که آیا این واژگان به یک معنا هستند و آیا بین آنها مراتبی وجود دارد؟ صالح نیز از ریشه «صُلِح» به معنای مسالمت، شایسته و از بین رفتن نفرت بین افراد است^(۳) و در قرآن کریم گاهی مقابل فساد و گاهی مقابل سیئه و زشتی به کار رفته است.

﴿ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴾^(۴)؛ «و در زمین پس از اصلاح آن [به وسیله رسالت پیامبران] فساد مکنید و خدا را از روی بیم و امید بخوانید، که یقیناً رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.»

﴿ وَأَخْرَوْنَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴾^(۵)؛ «و دیگرانی هستند که به گناهانشان اعتراف کردند [و] اعمال شایسته را با اعمال بد درآمیختند، امید است خدا توبه آنان را بپذیرد، زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.»

۱. چهل حدیث امام خمینی علیه السلام: ۲۰۶.

۲. بقره (۲): ۱۹۷.

۳. مفردات ألفاظ القرآن: ۱ / ۴۸۹؛ قاموس قرآن: ۴ / ۱۴۴.

۴. أعراف (۷): ۵۶.

۵. توبه (۹): ۱۰۲.





در اصطلاح به کسی یا چیزی که شایسته، خوب و به دور از فساد باشد، صالح می‌گویند.^(۱) انجام دادن عمل صالح (نیک) از مشخصات نیکان (محسنین) محسوب می‌شود، لذا این سؤال مطرح می‌شود که آیا این دو واژه به یک معنا بوده و رساننده یک مفهومند؟ از این رو بایسته است معنای صالحین نیز تبیین شود.

در پاسخ سؤال باید گفت: به نظر می‌رسد که بین عناوین فوق، یک ترتیب منطقی وجود داشته باشد؛ چرا که تقوا در سوره مبارکه بقره، دارای مراتب متعددی است که پایین‌ترین مرتبه آن، آمادگی نفس برای پذیرش حق است.^(۲) بنابراین کسی که در این مرتبه از تقوا قرار دارد اگرچه هنوز ایمان نیاورده و عمل صالحی هم انجام نداده است، اما هدایت قرآنی شامل حال او می‌شود. زمانی هم که شخص به مرتبه ایمان برسد، قرآن او را به سوی انجام فرامین الهی سوق می‌دهد و دعوت می‌کند و عنوان مؤمن بر او اطلاق می‌شود و اگر شخص با ایمان، پایبند فرامین الهی و دستورات قرآنی باشد و اعمال صالح انجام دهد، عنوان محسن بر او صادق خواهد بود.

بنابراین مقام محسنین و نیکان، از برخی از مقام‌های متقین و از مقام مؤمنین و صالحین برتر و بالاتر است.

جایگاه ایمان در زندگی نیکان (محسنین)

پروردگار در قرآن کریم به یکی از مراتب ایمان که «مقام محسنین یا نیکان» است اشاره کرده و می‌فرماید:

﴿لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا

۱. قاموس قرآن: ۴ / ۱۴۴.

۲. ﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ * وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾؛ بقره (۲): ۲-۴: «برای پرهیزکاران هدایت است. آنان که به غیب ایمان دارند و نماز را بر پا می‌دارند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند و آنان که به آنچه به سوی تو و به آنچه پیش از تو نازل شده است، مؤمن هستند و به آخرت یقین دارند.»





وَأَمِنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ
الْمُحْسِنِينَ ﴿١﴾

در حقیقت ایمان دارای مراتب و درجاتی است. درجات اولیه ایمان عبارت از تصدیقاتی است که برحسب اختلاف مراتب آن‌ها، همراه با شک و شبهات بوده و حتی ممکن است به شرک نیز آمیخته باشد:

﴿ وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ ﴾^(۲)

از این ایمان در برخی موارد به «اسلام» تعبیر می‌شود:

﴿ قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ
الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ ﴾^(۳)

به همین جهت امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«ایمان یک درجه از اسلام بالاتر است.»^(۴)

درجات متوسط ایمان عبارت از تصدیقاتی است که شک و شبهه‌ای به آن راه ندارد:

﴿ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا ﴾^(۵)

و مرتبه «ایمان» بیشتر بر همین درجه از ایمان اطلاق می‌شود:

﴿ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ
آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴾^(۶)

در درجات بالاتر ایمان نه تنها هیچ شک و شبهه‌ای در باور مؤمن نیست؛ بلکه آن مرتبه از

۱. مائده (۵): ۹۳.

۲. یوسف (۱۲): ۱۰۶.

۳. حجرات (۴۹): ۱۴.

۴. الکافی: ۲۵/۲، باب فضل الایمان علی الاسلام، حدیث ۱.

۵. حجرات (۴۹): ۱۵.

۶. انفال (۸): ۲.





ایمان توأم با کشف و شهود و محبت کامل به خداوند و شوق تام نسبت به ساحت مقدس اوست:

﴿ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴾^(۱)

نیز فرمود:

﴿ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ ﴾^(۲)

سه واژه اسلام، ایمان و احسان از لحاظ معنایی به هم نزدیک هستند. رسول ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله این مراتب ایمان را به خوبی تعریف و تشریح نموده، به گونه‌ای که در هیچ‌یک شبهه‌ای باقی نمانده است. بنابر روایات، روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان اصحاب بود که مردی آمد و پرسید اسلام چیست؟ حضرت فرمود: آن است که خدای را پرستش نمایی و برای او شریکی قائل نشوی و نماز را بپا داری و زکات واجب را بدهی و ماه رمضان را روزه بداری. سپس پرسید ایمان چیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ایمان آن است که به خدا و فرشتگان و پیامبران صلی الله علیه و آله ایمان آوری و لقای پروردگار و روز رستاخیز را باور کنی.

و در مرتبه بعد پرسید احسان چیست؟ حضرت فرمود: احسان آن است که خدا را چنان‌که گویی او را می‌بینی، پرستش نمایی. چه اگر تو او را نبینی، بی‌شک او تو را می‌بیند.^(۳)

باید خاطر نشان ساخت که مقام نیکان و محسنین یا احسان دارای سه مرتبه است: اولین مرتبه آن نیکی به همه اشیاء است، بدین معنا که به موجودات با نظر رحمت و شفقت بنگری. دومین مرتبه آن عبادت به حضور تمام است، همان‌گونه که عابد پروردگارش را مشاهده

۱. مائده (۵): ۵۴.

۲. مائده (۵): ۵۴.

۳. بحار الأنوار: ۵۶ / ۲۶۰ - ۲۶۱، باب ۲۴، حدیث ۳۵ - ۳۶؛ نیز: ۱۹۶ / ۶۷، باب ۵۳؛ با کمی اختلاف در: الدر المنثور:

۱ / ۱۷۰؛ شرح نظم الدر (شرح قصیده تائیه ابن فارض): ۳۸۱؛ مسند احمد: ۱ / ۲۷؛ صحیح بخاری: ۱، «کتاب

الإيمان، باب سؤال جبریل عليه السلام عن النبي صلی الله علیه و آله عن الإيمان و الإسلام و الإحسان و علم الساعة»؛ صحیح مسلم: ۱ / ۳۷،

«کتاب الإيمان، باب بیان الإيمان و الإسلام و الإحسان»؛ مسند ابن حنبل: ۱ / ۲۷؛ سنن ابن ماجه: ۱ / ۲۴ - ۲۵،

باب ۹.





می‌کند. سومین مرتبه احسان شهود پروردگار با همه اشیاء و در همه حال است، چنان‌که خداوند سبحان می‌فرماید: «آن که رویش را به سوی خدا تسلیم کند، درحالی که در مقام احسان است، پس به ریسمان الهی چنگ زده است».^(۱)

نیکان و محسنین از منظر قرآن

این گروه از بندگان الهی که به شدت مورد لطف و عنایت حضرت حق هستند، از اعتقاد صحیح و متین و نیتی پاک و صادقانه و عمل صالح و اخلاق حسنه و نیکی به دیگران برخوردارند. در حقیقت اخلاق ایشان جلوه‌ای از اوصاف حضرت حق می‌باشد، همچنان‌که در تمامی زمینه‌های زندگی کمترین انحرافی از تعادل و میانه‌روی ندارند. علت رسیدن آنان به این مقام والا و نایل شدن به مقام محسنین این است که با بهره‌گیری از معرفت و آگاهی و رشد عقلی همه وجود خود را عاشقانه و صادقانه تسلیم حضرت حق کردند، جز در راه او یعنی صراط مستقیم قدم ننهاند و جز از خواسته‌های او پیروی ننمودند و کسی را در تمام زمینه‌های زندگی و حیاتشان بر او ترجیح ندادند و در همه موارد نسبت به حضرت حق ثابت‌قدم ماندند و تحت تأثیر غیر او قرار نگرفتند و هرچه انجام دادند، محض جلب رضا و خشنودی او انجام دادند و توحید ناب را محور زندگی قرار داده و هر بت جاندار و بیجانی را از خود راندند و دفع کردند.

همچنان‌که خداوند حکیم در این زمینه می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾^(۲)

و هر کس همه وجود خود را به سوی خدا کند و تسلیم حق شود، فقط او محسن است. با این تسلیم به محکم‌ترین دستگیره چنگ زده است و سرانجام همه کارها فقط به سوی خداست.



۱. منازل السائرین: ۳۲۱؛ مرآة العقول: ۲۵۳/۷؛ ریاض السالکین: ۱۸/۶؛ تفسیر کنز الدقائق: ۲۵۷/۷.

۲. لقمان(۳۱): ۲۲.



﴿بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾^(۱)

آری، کسانی که همه وجود خود را تسلیم خدا کنند، فقط آنان محسن هستند. برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته و مناسب است، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.

قرآن مجید نیکان را در آیات بسیاری مورد عشق و محبت خدا قلمداد کرده و می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾^(۲)؛ «مسلماً خدا نیکوکاران را دوست دارد.»

﴿وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾^(۳)؛ «و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.»

قرآن مجید به این نکته بسیار مهم توجه می‌دهد که پروردگار با اهل تقوا که متصف به صفت محسن هستند، معیت و همراهی دارد:

﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ﴾^(۴) «بی‌گمان خداوند با

کسانی است که [از او اطاعت کردند، و از محرماتش] پرهیز داشتند، و نیز با نیکوکاران است.»

خداوند در کلام خود وعده قطعی داده که به قدرت و قوت و عظمت و آبرو و پاداش نیکان

بیفزاید:

﴿وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ﴾^(۵)؛ «و ما قطعاً بر [پاداش] نیکوکاران می‌افزاییم.»



۱. بقره (۲): ۱۱۲.

۲. بقره (۲): ۱۹۵؛ مائده (۵): ۱۳.

۳. آل عمران (۳): ۱۳۴ و ۱۴۸؛ مائده (۵): ۹۳.

۴. نحل (۱۶): ۱۲۸.

۵. بقره (۲): ۵۸.



قرآن مجید محسنان را متصف به انفاق در گشایش و تنگ‌دستی و آراسته به فرو خوردن خشم در پیش آمدهای خشم‌برانگیز و اهل گذشت از همه مردم می‌داند:

﴿ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴾^(۱)؛ «هم آنان‌که در رفاه و تنگدستی انفاق می‌کنند، و خشم خود را فرو برده، [آتش هیجانش را با یاد خدا خاموش می‌سازند،] و از [خطای] مردم می‌گذرند، و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.»

در کلام الهی پاداش نیکان را بهشت می‌داند و ابدی بودنشان را در آن مقام‌های بلند مرتبه اعلان می‌کند:

﴿ فَأَتَابَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ ﴾^(۲)؛ «پس خداوند به پاس این سخنان [درست و عقاید صادقانه] آنان، به آنان بهشت‌هایی را پاداش داد که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، در آن جاودانه‌اند، و این پاداش نیکوکاران است.»

از سویی خداوند رحمت و مهر خود را به محسنان نزدیک می‌داند:

﴿ إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴾^(۳)؛ «بی‌تردید رحمت خداوند به نیکوکاران نزدیک است.»

پروردگار به‌طور مکرر در قرآن مجید پاداش محسنان را ضامن شده و اعلان داشته که پاداش نیکان را ضایع نخواهم کرد:

﴿ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴾^(۴)؛ «یقیناً خداوند پاداش نیکوکاران را

۱. آل عمران (۳): ۱۳۴.

۲. مائده (۵): ۸۵.

۳. اعراف (۷): ۵۶.

۴. هود (۱۱): ۱۱۵.



تباه نمی‌کند.»

حضرت حق در قرآن مجید نیکان را به بهشت و رضوان و عاقبت به خیری و فرجام نیک بشارت داده است:

﴿وَكَثَّرَ الْمُحْسِنِينَ﴾^(۱)؛ «و نیکوکاران را [به رحمت و پاداش خداوند] مژده بده!»

نیکان که در همه زمینه‌های زندگی و حیات نسبت به خود و دیگران اهل نیکی و خیر هستند، به تعریف و توصیف حق در شب معراج خطاب به رسول حق درآمده و درباره آنان گفته شده است:

«يا أحمَدُ...! إنَّ أَهْلَ الْخَيْرِ وَأَهْلَ الْآخِرَةِ رَقِيقَةٌ وَجُوهُهُمْ، كَثِيرٌ حَيَاؤُهُمْ، قَلِيلٌ حُمُومُهُمْ، كَثِيرٌ نَفْعُهُمْ، قَلِيلٌ مَكْرُهُمْ، النَّاسُ مِنْهُمْ فِي رَاحَةٍ، وَأَنْفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي تَعَبٍ.. كَلَامُهُمْ مَوْزُونٌ، مُحَاسِبِينَ لِأَنْفُسِهِمْ، مُتَعَبِينَ لَهَا.. تَنَامُ أَعْيُنُهُمْ، وَلَا تَنَامُ قُلُوبُهُمْ.. أَعْيُنُهُمْ بَاكِيَةٌ، وَقُلُوبُهُمْ ذَاكِرَةٌ، إِذَا كُتِبَ النَّاسُ مِنَ الْغَافِلِينَ كُتِبُوا مِنَ الذَّاكِرِينَ، فِي أَوَّلِ النَّعْمَةِ يَحْمَدُونَ، وَفِي آخِرِهَا يَشْكُرُونَ.. دُعَاؤُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ مَرْفُوعٌ، وَكَلَامُهُمْ مَسْمُوعٌ...»^(۲)؛ ای احمد! بدرستی که اهل خیر و اهل آخرت چهره‌ای مهربان و نرم دارند، از حیای بسیار برخوردارند، فساد عقل و رأی ایشان فوق‌العاده اندک و مکریشان بسیار کم و ناچیز است. مردم از ناحیه آنان در راحت و خود آنان از ناحیه خودشان به خاطر عبادت رب و خدمت به خلق در زحمت و مشقت هستند، کلامشان با ارزش است، حسابگر وجود خویش‌اند، خود را برای هر کار مثبت و خیری به زحمت می‌اندازند، چشمانشان می‌خوابد ولی دل‌هایشان نمی‌خوابد، دیدگان‌شان گریان است، دل‌هایشان غرق ذکر خدا و قیامت است، هنگامی که مردم در پرونده غافلان



۱. حج (۲۲): ۳۷.

۲. بحارالانوار: ۷۷ / ۲۴؛ تفسیر حکیم: ۳ / ۸۳.



نوشته می‌شوند، آنان در پرونده ناگران ثبت می‌گردند، در ابتدا نعمت خدا را ستایش می‌کنند و در پایان آن به شکر می‌نشینند، دعایشان نزد خدا مرفوع و سخنشان مورد پذیرش است.»

در بیان اوصاف نیکان می‌توان به سه خصلت بارز ایشان اشاره کرد:

۱- عبادت:

اولین حقیقت روحیه تعبد و انجام عبادت در ایشان است. پیغمبر ختمی مرتبت ﷺ در این باره می‌فرماید:

«الإِحْسَانُ أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ»^(۱).

(مقام محسنین یا) احسان، یعنی خدا را به گونه‌ای عبادت کنی که گویی با چشم سر او را می‌بینی و در برابر او ایستاده‌ای. آنگاه که بنده با چشم سر او را می‌بیند، برای نماز چگونه «اللَّهُ اکبر» می‌گوید؟ چگونه حمد می‌خواند؟ چگونه رکوع و سجود می‌کند؟ آن نماز، چه نمازی خواهد شد؟ در این حالت اوج ادب از انسان ظهور می‌کند. یعنی هنگامی که انسان در برابر حضرت حق «اللَّهُ اکبر» می‌گوید، در حقیقت برای حضور در پیشگاه ذات اقدس الهی مُحرم می‌شود. از محضر او هم هیچ‌گاه غایب نمی‌شود و به تجارت و امور دنیایی مشغول نخواهد شد. این یک شعاع حقیقت نیکان است.

۲- خدمت به خلق:

اما حقیقت دیگر احسان، نیکی کردن به بندگان خداست. نیکان قوم موسی عَلَيْهِ السَّلَام به قارون گفتند:

﴿وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ﴾^(۲)

به مردم نیکی کن، چنان‌که خداوند متعال با این ثروتی که از راه حلال به تو داده است، به

۱. بحار الانوار: ۱۹۶/۶۷، باب ۵۳، حدیث ۲: «قَوْلُ النَّبِيِّ ﷺ الإِحْسَانُ أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ».

۲. قصص (۲۸): ۷۷: «او همان‌گونه که خداوند به تو نیکی کرده [با هزینه کردن ثروت، به مردم] نیکی کن!»





تو نیکی کرده است. این معنای احسان خدا به قارون در قرآن است. نقل شده است که به یکی از یاران پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله گفته شد می خواهی عمرت را در چه راهی صرف کنی؟ گفت: می خواهم خدا را عبادت کرده و با جان و دل به خلق خدا خدمت کنم. گفتند: تا چه وقت چنین خواهی کرد؟ گفت: تا هر وقت که در حیات دنیایی باشم. چراکه من عاشق خدمت و عبادت هستم، از عشقم کم نشده، چراغش نیز خاموش نمی شود.

۳- دقت در عمل:

حقیقت دیگر احسان آن است که بنده اعمال مربوط به خود را به خوبی انجام دهد. اگر نماز و روزه است، به تمام معنا کامل باشد. اگر به دیگران نیکی می کند، بی منت و پنهانی باشد. بنابراین اگر انسان چنین احسانی داشته باشد:

﴿ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴾^(۱)؛ «یقیناً خداوند پاداش نیکوکاران را

تباہ نمی کند.»

امام محمدباقر علیه السلام درباره اوصاف نیکوکاران و یا محسنین فرمودند:

«سُئِلَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله عَنْ خِيَارِ الْعِبَادِ، فَقَالَ: الَّذِينَ إِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبَشَرُوا، وَإِذَا أَسَاءُوا

اسْتَغْفَرُوا، وَإِذَا أُعْطُوا شَكَرُوا، وَإِذَا ابْتُلُوا صَبَرُوا، وَإِذَا غَضِبُوا عَفَرُوا»^(۲)؛ از

پیامبر صلی الله علیه و آله درباره بهترین بندگان سؤال شد، حضرت فرمود: ایشان کسانی

هستند که چون کار نیکی انجام دهند، خوشحال و شاد می شوند و هنگامی که

کار زشتی از آنان سرزند، از خدا طلب مغفرت می کنند و زمانی که نعمتی به

آنان عطا شود، سپاس می گزارند و چون به بلا و آزمایشی مبتلا شوند، صبر و

شکیبایی می ورزند و هنگامی که از کسی به خشم آیند، گذشت می کنند.»

آری، یکی از نشانه های نیکان و بندگان نیکو این است که چون کار نیکی مانند عبادت و

خدمت به خلق و به کارگیری حسنات از آنان صادر می شود، خوشحال می گردند و خوشحالی



۱. توبه (۹): ۱۲۰.

۲. الکافی: ۲/ ۲۴۰، باب المؤمن وعلاماته، حدیث ۳۱؛ الامالی «صدوق»: ۱۰، المجلس الثالث، حدیث ۴.



آنان به خاطر این است که خدای مهربان توفیق انجام نیکی‌ها را رفیق راهشان کرده و شادمان از این هستند که جسم و جان و وقت خود را برای خدا هزینه کرده‌اند. نیکان یا محسنین انسان‌هایی هستند که از جمال باطن و زیبایی درون و ارزش‌های معنوی برخوردارند. بی‌تردید هنگامی که انسان به زیبایی باطن آنان و ارزش‌های معنوی ایشان آگاه شود، در قلب خود کشش و محبتی فراوان نسبت به آنان احساس می‌کند و در حقیقت با این شناخت، به اجرای فرمان حق یعنی محبت و ارادت نسبت به ایشان دست می‌یابد. اختیار به خاطر دارا بودن ارزش‌های الهی و انسانی مورد توجه خدایند. از این رو بر انسان لازم است با تکیه بر شناخت آنان به دوستی و مهرورزی نسبت به آنان برخیزد و آنان را برای معاشرت و همنشینی برگزیند و از نفس پاکشان برای تصفیه قلب خود استفاده کند. مهرورزی به نیکان و دوست داشتن آنان، برای قلب عبادتی بس مهم و زمینه‌ای برای جلب رحمت و رأفت و عطوفت حضرت حق نسبت به خود است. البته خداوند رحمان نیز از آن‌ها دست برنمی‌دارد و ایشان در مقام معیت با حضرت حق به سر می‌برند:

﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ﴾^(۱)

اوصاف و ویژگی‌های نیکان و محسنین

در قرآن کریم لقب محسنین و یا نیکان به دو دسته از مردم استناد داده شده است. گروه اول کسانی هستند که به دیگران خیر و نیکی می‌رسانند. گروه دوم نیز کسانی هستند که کارهای خوب انجام می‌دهند.

کاربرد اول واژه محسنین

۱- ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ



۱. نحل (۱۶): ۱۲۸؛ «بی‌گمان خداوند با کسانی است که [از او اطاعت کردند، و از محرّماتش] پرهیز داشتند، و نیز با نیکوکاران است»



وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١﴾؛ «هم آنان که در رفاه و تنگدستی انفاق می‌کنند، و خشم خود را فرو برده، [آتش هیجان‌شان را با یاد خدا خاموش می‌سازند،] و از [خطای] مردم می‌گذرند، خداوند نیکوکاران را دوست دارد.»

۲- ﴿فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ ﴿٢﴾؛ «پس [تا آمدن حکم جهاد] از آنان بگذر! و [از مجازاتشان] چشم‌پوشی کن؛ زیرا خداوند نیکوکاران را دوست دارد.»

در این آیه نیز عنوان «محسن» درباره کسانی است که خیر و خوبی آنان شامل حال دیگران شده است.

کاربرد دوم واژه محسنین

۱- ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ ﴿٣﴾؛ «کسانی که برای ما کوشیدند حتماً آنان را به راه‌های خود [که صراط مستقیم، راه کمال، بهشت و مقام قرب است] هدایت می‌کنیم، به راستی که خداوند با نیکوکاران است.»
البته از منظر قرآن کریم نیکان و محسنین تنها به آنچه گذشت، محدود و منحصر نمی‌شود؛ بلکه قرآن کریم در ۳۹ مورد کلمه «محسن» را به کار برده، که در این میان حدود سی مورد بیان‌کننده صفات محسنین است. در ذیل به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- کسانی که به دستورات خداوند عمل می‌کنند:

﴿وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَاَدْخُلُوا
الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةً نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ
الْمُحْسِنِينَ﴾ ﴿٤﴾؛ «و [به یاد آرید] هنگامی که به شما گفتیم: به این شهر

۱. آل عمران (۳): ۱۳۴.

۲. مائده (۵): ۱۳.

۳. عنکبوت (۲۹): ۶۹.

۴. بقره (۲): ۵۸.





[بیت المقدس] وارد شوید و [از نعمت هایش] از هرجای آن که خواستید بی دغدغه و با آسایش بخورید، و فروتنانه از دروازه شهر درآیید و بگویید: [پروردگارا! خواسته ما] آمرزش همه گناهان و خلافکاری های ما [است] تا گناهانتان را بیامرزم، و ما قطعاً بر پاداش نیکوکاران می افزاییم.»

بر مبنای آیه شریفه محسنین کسانی هستند که به این دستور خداوند (ورود به شهر مورد نظر) عمل کرده باشند.

﴿لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمْ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرَهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرَهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ﴾^(۱): «بر شما گناهی نیست اگر زنان را [به دلایلی] پیش از آمیزش جنسی و عدم تعیین مهریه طلاق دهید، [در چنین وضعی بر شما لازم است] آنان را از کالای مناسب شأنشان بهره مند سازید، توانگر به اندازه توانایی اش، تنگدست به اندازه وضع مادی اش، این حقی واجب بر عهده نیکوکاران است.»

۲- انفاق کنندگان:

﴿وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾^(۲): «و در راه خدا انفاق کنید، و [با ترک این کار پسندیده یا هزینه کردن مال در راه نامشروع،] خود را به هلاکت نیندازید! و نیکی کنید که مسلماً خدا نیکوکاران را دوست دارد.»



۱. بقره (۲): ۲۳۶.

۲. بقره (۲): ۱۹۵.

۳- شکیبایان:

﴿وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾^(۱)؛ «و شکیبایی کن! یقیناً خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.»

۴- پارسایان:

﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ﴾^(۲)؛ «بی‌گمان خداوند با کسانی است که [از او اطاعت کردند، و از محرماتش] پرهیز داشتند، و نیز با نیکوکاران است.»

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ * وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ * كَلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ * إِنَّآ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾^(۳)؛ «یقیناً آنان که [از خداوند اطاعت کرده، از محرماتش] پرهیز داشتند در [زیر] سایه‌ها و [کنار] چشمه‌سارهایند؛ و [بهره‌مند از] میوه‌های فراوان از آنچه همواره بخوانند. [به آنان گویند:] به پاداش اعمالی که پیوسته انجام می‌دادید بخورید و بیاشامید! گوارایتان باد! ما نیکوکاران را این‌گونه پاداش می‌دهیم.»

۵- هدایت یافتگانی که شکرگزارند:

﴿لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَآؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ﴾^(۴)؛ «هرگز گوشت‌ها و خون‌هایشان به خداوند نمی‌رسد، بلکه تقوای شماست که به او می‌رسد، این‌گونه آن‌ها را برای شما به کار گرفت تا خدا را به شکرانه این‌که

۱. هود(۱۱): ۱۱۵.

۲. نحل(۱۶): ۱۲۸.

۳. مرسلات(۷۷): ۴۱-۴۴.

۴. حج(۲۲): ۳۷.





هدایتان کرد به بزرگی یاد کنید، و نیکوکاران را [به رحمت و پاداش خداوند]
مژده بده!»

۶- مجاهدان در راه خدا:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾^(۱)؛
«کسانی که برای ما کوشیدند حتماً آنان را به راه‌های خود [که صراط مستقیم،
راه کمال، بهشت و مقام قُرب است] هدایت می‌کنیم، به‌راستی که خداوند با
نیکوکاران است.»

۷- برپاکنندگان نماز، زکات‌دهندگان، اهل یقین به آخرت:

﴿هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ * الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ
بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾^(۲)؛ «که [سراسرش] برای نیکوکاران هدایت و رحمت
است. آنان که نماز را [با شرایط ویژه‌اش] می‌خوانند، و زکات می‌پردازند، و به
آخرت یقین دارند.»

۸- کسانی که به سخن حق ایمان آوردند و با عمل آن را تصدیق کردند:

﴿وَالَّذِي جَاءَ بِالصَّدَقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ * لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ
عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ﴾^(۳)؛ «کسانی [چون پیامبران] که سخن
راست و درست را از جانب خداوند آورده‌اند، و [انان که حقانیت آن را] تصدیق
کرده‌اند [همه] آنان تقوایبشگانند (۳۳) برای آن تقوایبشگان نزد پروردگارشان
هرچه بخواهند فراهم است، این است پاداش نیکوکاران.»



۱. عنکبوت (۲۹): ۶۹.

۲. لقمان (۳۱): ۳-۴.

۳. زمر (۳۹): ۳۳-۳۴.



۹- انفاق کنندگان، کسانی که خشم خود را فرو می‌برند، کسانی که از مردم

می‌گذرند:

﴿ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴾^(۱)؛ «هم آنان که در رفاه و تنگدستی انفاق می‌کنند، و خشم خود را فرو برده، [آتش هیجان‌ش را با یاد خدا خاموش می‌سازند،] و از [خطای] مردم می‌گذرند، خداوند نیکوکاران را دوست دارد.»

﴿ وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ * فِيمَا نَقَضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَكَسُوا حَظًّا مِمَّا دُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴾^(۲)؛ «خداوند از بنی اسرائیل [بر لزوم اطاعت از احکامش و پیروی از موسی] پیمان گرفت، و از آنان دوازده سرپرست برانگیختیم [تا هر یک عهده‌دار امور قبیله‌ای باشد]، و خداوند اعلام کرد: به‌یقین من با شمایم، اگر نماز را [با شرایط ویژه‌اش] بخوانید، و زکات بپردازید، و به پیامبرانم ایمان آورید و آنان را در اهدافشان یاری کنید، و برای [جلب خشنودی] خداوند [به نیازمندان] وامی نیکو دهید در این صورت گناهانتان را محو می‌کنم، و شما را در بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است وارد می‌کنم، پس هرکس از شما بعد از این پیمان به کفر روی آورد،



۱. آل عمران (۳): ۱۳۴.

۲. مائده (۵): ۱۲-۱۳.



قطعاً از راه راست منحرف شده است. پس آنان را به علت پیمان شکنی [از رحمت خود] راندیم، و دل‌هایشان را [از پذیرش حق] سخت [و غیر قابل انعطاف] قرار دادیم [تا جایی که] پیوسته سخنان [حق] را از جایگاه‌های حقیقی‌اش [برای گمراه‌ماندن مردم] تغییر می‌دهند، و بخشی از آنچه [از معارف تورات] را که به وسیله آن پند داده شدند به فراموشی سپرده [و نادیده گرفتند]، و همواره از کارهای خائنانه آنان جز اندکی از ایشان [که وفادار به پیمان خدایند] آگاه می‌شوی، پس [تا آمدن حکم جهاد] از آنان بگذر! و [از مجازاتشان] چشم‌پوشی کن؛ زیرا خداوند نیکوکاران را دوست دارد.»

۱۰- استقامت در مسیر خداپرستی:

﴿وَكَايْنٍ مِّنْ نَّبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ * وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ * فَآتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾^(۱) «چه بسا پیامبرانی که انبوهی از الهی‌مسلکان به همراه آنان

با دشمنان جنگیدند، و در برابر آسیب‌هایی که در راه خدا به آنان رسید سستی نکردند و ناتوان نشدند، و [در برابر دشمن] سر تسلیم فرود نیاوردند، خداوند صابران را دوست دارد * و سخن آنان [در عرصه جنگ و سختی آن] جز این نبود که گفتند: پروردگارا! گناهان ما و زیاده‌روی در کارهایمان را بر ما ببخش! و قدم‌هایمان را [در راه ایمان و عمل] استوار ساز! و ما را بر کافران پیروز کن! * خداوند هم پاداش این دنیا و پاداش نیک آخرت را به آنان عطا کرد؛ خداوند نیکوکاران را دوست دارد.»



۱۱- کسانی که با شنیدن صدای حق مسلمان می‌شوند:

﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قَسِيصِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ* وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ* وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ* فَأْتَابَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ﴾^(۱)؛ «مسلمًا

سرسخت‌ترین مردم را در کینه و دشمنی با مؤمنان، یهودیان و مشرکان خواهی یافت، و البته نزدیک‌ترینشان را در دوستی با مؤمنان کسانی می‌یابی که گفتند: ما نصرانی هستیم. این دوستی آنان به سبب این است که گروهی از آنان کشیشان دانشمند و عابدان خداترسند، و آنان [در برابر حق] تکبر نمی‌کنند. [این فروتنان در برابر حق،] چون آیاتی را که بر پیامبر اسلام نازل شده بشنوند می‌بینی که دیدگانشان به سبب شناخت حق لبریز از اشک می‌شود، می‌گویند: پروردگارا! ما [به پیامبر و قرآن] ایمان آوردیم؛ بنابراین ما را در زمره گواهان [به حقانیت پیامبر و قرآن] قرار ده! ما بر اساس چه عذری به خداوند یکتا و حقی که به‌سوی ما آمده ایمان نیاوریم؟ درحالی‌که امیدواریم پروردگاران ما را در زمره شایستگان درآورد. پس خداوند به پاس این سخنان [درست و عقاید صادقانه] آنان، به آنان بهشت‌هایی را پاداش داد که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، در آن جاودانه‌اند، و این پاداش نیکوکاران است.»





۱۲. کسانی که با بیم و امید خدا را می خوانند و مصلحان زمین اند:

﴿ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴾^(۱)؛ «در زمین پس از آبادی و عمرانش [به وسیله بندگان شایسته ام،] به تخریب و فتنه‌گری برنخیزید! و خدا را از روی بیم [از عذابش] و امید [به رحمتش] بخوانید؛ زیرا رحمت خداوند به نیکوکاران نزدیک است.»

۱۳. جهادکنندگان و کسانی که جان خود را فدای پیامبر ﷺ می کنند:

﴿ مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَن رَّسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْعَبُوا بِأَنفُسِهِمْ عَن نَّفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخَصَّةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نِيلاً إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴾^(۲)؛ «شایسته نیست که اهل مدینه و بادیه‌نشینان پیرامون آن از رسول خدا تخلف کنند، و [سزاوار نیست که] به سبب [دل‌مشغولی به] خود، از [حفظ جان] او [در برابر حوادث] دریغ ورزند؛ زیرا در راه خدا هیچ تشنگی و رنج و گرسنگی به آنان نمی‌رسد، و در هیچ مکانی که کافران را به خشم می‌اندازد وارد نمی‌شوند، و از هیچ دشمنی کشته و اسیر نمی‌گیرند مگر آن‌که به پاداش [هرکدام از] آن‌ها عمل صالحی برای آنان [در پرونده اعمالشان] ثبت می‌شود، یقیناً خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.»



۱. اعراف (۷): ۵۶.

۲. توبه (۹): ۱۲۰.



مصادیق محسنین در قرآن کریم

در آیات متعددی از قرآن کریم، از برخی پیامبران الهی علیهم السلام با عنوان «محسنین» یاد شده است، که در ذیل به برخی از ایشان اشاره می‌شود:

حضرت نوح علیه السلام در مقام محسنین

﴿وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ * وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ * وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ * وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ * سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ * إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾^(۱)؛ «نوح ما را به [کمک‌خواهی] ندا کرد. [ندایش را به نیکوترین وجه اجابت کردیم، زیرا ما] چه نیکو اجابت‌کننده‌ای [هستیم]. او و خاندانش را از آن اندوه بزرگ [که محصول آزار و اذیت و تمسخر بود] نجات دادیم و فقط نسل او را باقی گذاشتیم و برای او در بین آیندگان نام نیک برجا نهادیم. سلام و درود بر نوح در میان جهانیان. ما نیکوکاران را این‌گونه پاداش می‌دهیم.»

حضرت ابراهیم علیه السلام در مقام محسنین

﴿فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ * وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ * قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ * وَقَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ * وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ * سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ * كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾^(۲)؛ «پس هنگامی که آن دو تسلیم [خواستند] شدند و ابراهیم جبین او را به زمین نهاد [تا ذبحش کند] و او را ندا دادیم که ای ابراهیم! خوابت را تحقق دادی [و فرمان پروردگارت را اجرا کردی]، به راستی ما نیکوکاران را این‌گونه پاداش می‌دهیم [که نیت پاک و خالصشان را به جای



۱. صافات (۳۷): ۷۵ - ۸۰.

۲. صافات (۳۷): ۱۰۳ - ۱۱۰.



عمل می‌پذیریم]. به یقین این همان آزمایش روشن بود و ما اسماعیل را در برابر قربانی بزرگی [از ذبح شدن] رها نمودیم و در میان آیندگان برای او [نام نیک] به جا گذاشتیم. سلام بر ابراهیم [ما] نیکوکاران را این‌گونه پاداش می‌دهیم.»

آیات بالا جزء آیاتی است که داستان رؤیای حضرت ابراهیم علیه السلام درباره ذبح فرزندش را بیان می‌دارد. در حقیقت بعد از این اطاعت بی‌چون و چرای ابراهیم علیه السلام از فرمان الهی بود که ایشان از زمره «محسنین» شمرده می‌شود.

حضرت موسی و هارون علیهما السلام در مقام محسنین

﴿سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ * إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ﴾^(۱)؛ «سلام بر موسی و هارون. ما نیکوکاران را این‌گونه پاداش می‌دهیم. بی‌تردید هر دو از بندگان مؤمن ما بودند.»

مسلماً خداوند به خاطر رفتار صالح حضرت موسی و هارون علیهما السلام ایشان را به وصف «محسنین» توصیف نموده است.

حضرت الیاس علیه السلام در مقام محسنین

﴿وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ * إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ * أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ * اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ * فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ * إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ * وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ * سَلَامٌ عَلَىٰ إِيلَاسِينَ * إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾^(۲)؛ «مسلماً الیاس از پیامبران بود. به یاد آر هنگامی که به قومش گفت: آیا [از شرک و طغیان] نمی‌پرهیزید؟ آیا [بت] بعل را می‌پرستید و بهترین خالق و سازنده را رها



۱. صافات (۳۷): ۱۲۰ - ۱۲۲.

۲. صافات (۳۷): ۱۲۳ - ۱۳۱.



می‌کنید؟ خداوندی را که پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شماست؟ پس او را انکار کردند، همانا انکارکنندگان از احضارشدگان [دوزخ] خواهند بود. مگر بندگان خالص شده خداوند. و در بین بندگان برای او نام نیک به جا گذاشتیم. سلام و درود بر آل یاسین. ما نیکوکاران را این‌گونه پاداش می‌دهیم.»

حضرت یوسف علیه السلام در مقام محسنین

﴿ وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِمَرْأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ * وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴾^(۱)؛ «از اهل مصر کسی که یوسف را خرید، به همسرش گفت جایگاه او را گرامی دار. امید است [در آینده] از او سود فراوانی به ما برسد، یا وی را به فرزندی انتخاب کنیم. این‌گونه یوسف را در سرزمین [مصر] قرب و منزلت دادیم، تا تعبیر بخشی از خواب‌ها و حقایق را به او بیاموزیم و خداوند بر کار خود چیره است، ولی بیشتر مردم دانا [ی به این حقیقت] نیستند. هنگامی که یوسف به توانایی [جسمی و عقلی] رسید، به او حکمت و دانش عطا کردیم. ما این‌گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم.»

﴿ وَدَخَلَ مَعَهُ السَّجْنَ فَتَيَانِ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبُنَّا بِنْتًا وَيْلَهُ إِنَّنَا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴾^(۲)؛ «دو جوان [از خدمتکاران شاه] با یوسف وارد زندان شدند، یکی از آن دو نفر گفت: من پی در پی خواب می‌بینم که [برای]



۱. یوسف (۱۲): ۲۱-۲۲.

۲. یوسف (۱۲): ۳۶.



شراب، [انگور] می‌فشارم و دیگری گفت: من در خواب می‌بینم که روی سرم نان حمل می‌کنم و پرندگان از آن می‌خورند. از تعبیرش ما را خبر ده! چون برای ما مسلم است که تو از نیکوکارانی.»

﴿وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُونَ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾^(۱)؛ «این‌گونه در [آن] سرزمین به یوسف مقام و منزلت دادیم تا هر جای آن بخواهد قدرت حکیمانه‌اش را [برای تدبیر امور] به کار گیرد، هر کس را بخواهیم به رحمت خود می‌رسانیم و پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کنیم.»

﴿قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ﴾^(۲)؛ «گفتند: عزیز! او را پدری پیر و سالخورده است، [که مسلماً تحمل دوری وی را ندارد.] پس یکی از ما را به جای او بازداشت کن! ما تو را بی‌گمان از نیکوکاران می‌یابیم.»

﴿قَالُوا أَتِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾^(۳)؛ «برادران گفتند آیا به راستی تو خود یوسفی؟ گفت: آری! من یوسفم و این برادر من است. همانا خداوند به ما نعمت با ارزشی داده. بی‌تردید هر کس از خداوند اطاعت کند و از [محرماتش] بپرهیزد و همواره [در برابر حوادث] صبر کند، [پاداشش] شایسته می‌یابد، زیرا [خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند].»



۱. یوسف(۱۲): ۵۶.

۲. یوسف(۱۲): ۷۸.

۳. یوسف(۱۲): ۹۰.